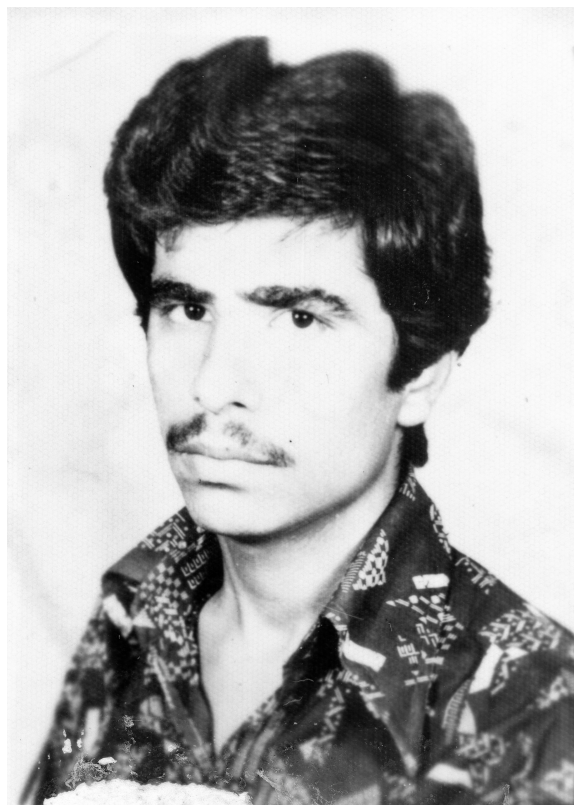


## شهید فتح الله آشناگر



سازمان جامع سرداران و هزار شهید استان بوشهر

|             |                  |
|-------------|------------------|
| نام پدر     | حسین             |
| تاریخ تولد  | ۱۳۳۷/۰۶/۱۰       |
| محل تولد    | بوشهر - دشتستان  |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۱/۱۲/۱۵       |
| محل شهادت   | جنوب             |
| مسئولیت     | رزمنده           |
| نوع عضویت   | سرباز زمینی ارتش |
| شغل         | —                |
| تحصیلات     | سوم راهنمایی     |
| مدفن        | دهداران          |

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید فتح‌الله آشناگر در سال ۱۳۳۷ هجری در روستای دهداران سفلی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد.

ایشان در سن جوانی به آبادان مهاجرت نمود و تحصیلات ابتدایی را در آنجا آغاز و تا دوره متوسطه ادامه تحصیل داد. وی انسانی مهربان و خوش اخلاق بود و به خاطر خوش اخلاقی بین مردم محبوبیت خاصی داشت. در زمان انقلاب، از آبادان به زادگاهش یعنی دهداران برگشت. وی در راهپیمایی‌ها شرکت فعال داشت.

پس از آن به خدمت مقدس سربازی اعزام شد. پس از آموزش در کرمان، به تیپ ۵۵ هوابرد شیراز منتقل و بعد از آن به جبهه خوزستان اعزام و در عملیات بیت‌المقدس شرکت نمود. بعد از گذشت ۲۰ روز به مرخصی آمد و تعریف می‌نمود که توانسته در عملیات بیت‌المقدس عده‌ای از عراقی‌ها را اسیر نماید. و ایشان دوباره به جبهه برگشت و در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس شرکت نمود و در همین عملیات بود که به درجه شهادت نائل آمد.

## وصیت نامه

بنام ۱۱ پاسدار خون شهیدان و با درور فراوان به رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی و با درود به شهیدان وطن و باسلام به پدر و مادر عزیزم . ای کسانی که این چند جمله اجمالی از زندگی و آرزوهای مرا می خوانید و یا می شنوید به خدای واحد قسم ، بدانید که پیروزی از آن ماست چون ما در جبهه حق و دشمن در جبهه باطل می جنگد ، از اسلام و وطن دفاع می کنیم و دشمن تجاوز می کند . و ایمانمان همچون چراغی در پیش ما راهنما می باشد اما دشمن در تاریکی و بسوی تاریکی می رود ما آرزوی شهادت داریم اما دشمن از شهادت می ترسد .

اینجانب فتح... آشناگر در سال ۱۳۳۷ در روستای دهداران متولد شدم پس از چندی به علت جبر زمان به آبادان کوچ کردیم ، از زمانی که خود را شناختم با فقر آشنا بودم . خلاصه دوره ابتدائی و دبیرستان را در شهر قهرمان آبادان ، شهر پایمردیها علیه کفر صدامی پایان رساندم تا امروز که لباس مقدس سربازی که لباس جانبازی و مردانگی است برگزیدم . من می خواهم که در مرگم کسی گریه و شیون نکند فقط هر کسی که به راه من ایمان دارد سلاح بدست گیرد و ره میدان مبارزه علیه صدامیان آید و مادرم تو همچون زینب ایستادگی کن و خدا را شکر کن و نماز بجای آور و هیچ احساس نکن که پسر خود را از دست داده ای و پدرم تو هم جسم مرا ببین و همچون سدی استوار ایستادگی کن ، خیلی دلم می خواست که با دختر مورد علاقه خود ازدواج کرده تا شاید بعد از خودم فرزندی برای شما به یادگار بماند ولی متأسفانه قسمت نبود .

در پایان می خواهم که جسد مرا در زادگاهم روستای دهداران به خاک بسپارید این وصیتنامه در تاریخ ۶۰/۱۰/۲۷ نوشته شد شما را به خدا می سپارم . ولی تو پدر و مادر عزیزم به خاطر خدا اگر می شود بعد از مرگم ناراحتی نکنید تا روح من شاد باشد و امیدوارم مادرم همانطوریکه برای من مهربانترین مادر دنیا بودی برای پدرم نیز همسری خوب باشی و پدرم تو که همچون استادی راهنمای من در زندگی بودی امیدوارم برای مادرم شوهری خوب باشی و در کنار هم بدور از غم و غصه زندگی را به خوشی سر کنید و ناراحت نبودن من نباشید تا من نیز روحم شاد باشد . مقداری پول از اطرافیان می خواهم که خودشان اگر آوردند و اگر نیاوردند اصلاً شما به آنها نگویید . اما تو ای ... من باور کن در این پنج سال همه روح و جان من بودی افسوس که برای تو نماندم .

شما عزیزان را به خدا می سپارم .

والسلام

## خاطرات

شهید فتح‌الله آشناگر انسانی باتقوا و مهربان بود .

وی به مراسمات مذهبی اهمیت فراوان می‌داد . همیشه نمازش را در وقت معین می‌خواند و به پدر و مادرش می‌گفت که من آرزویم این است که شهید شوم .

هلا پاسداران آئین سرخ  
سواران شوریده بر زین سرخ

به شعر دلیری تصاویر سبز  
به دیوار مردی مضامین سرخ

از این باغ زنگار زردی زدود  
وفاتان به آن عهد دیرین سرخ

گذشتید چون از حصار خزان  
چه دیدید آن سوی پرچین سرخ

پس از برگریزان و پرپر شدن





سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران